

پیشگفتار

گرایش به زیبایی، به عنوان یک تمایل اصیل انسانی، همواره مورد توجه اصحاب خرد بوده است. شاید بتوان ادعا کرد که مطالعات پیرامون جمال و زیبایی، از کهن ترین دل مشغولیهای اندیشوران بوده و گستره وسیع پهنه تاریخ، گاه به فراوانی قریحه های پراحساس، شاهد گفت و گویی پُر حرارت پیرامون آن، و گاه به انجماد ارواح تهی از ذوق، شاهد به سردی گراییدن آن بوده است. این پیشینه، از نگاه علمی هم، در نوسان و سرشار از آراء گوناگون است. برخی به جنبه طبیعی و فطری زیبایی، برخی به بُعد مادی و ظاهری آن، برخی به ابعاد متافیزیکی و ماورای طبیعی آن و ... همت گماشته و به گونه های مختلف به برافروختن روشنایی این بحث در بین دیگر مباحث علمی مبادرت ورزیده اند.

در یک جمع بندی کلی می توان مدعی شد به رغم ستوده بودن این تلاشها، بیشتر رویکردها در زیبایی شناسی، سطحی و محدود به زیباییهای ظاهری و محسوس است. به ویژه در عصر کنونی که بشر به بهانه تجدد همه جانبه، افزون بر بی مهری به میراث تاریخی خود، تلاش کرده هنر و زیبایی شناسی را هم همانند هر عرصه دیگری، منعزل از پیشینه، عصری و دنیوی کند. زیبایی شناسی معاصر، نه تنها از معرفت شناسی، بلکه از لحاظ روش مطالعه هم با آنچه در سنت و دین رایج بود، زاویه گرفته و پیامد این فاصله، بروز مشکلات بسیاری در زمینه علمی و عملی بوده است. اما در زیبایی شناسی و حیانی، عارفان مسلمان با الهام از آیات قرآن و روایات معتبر، به باطن زیبایی بیشتر توجه کرده، خداوند را منبع زیبایی و عالم را جلوه جمال الهی یافته و بدین سان بُعد قدسی زیبایی را دریافته اند. تردیدی نیست که عرفان به علت موضوع و هدفش، به عنوان شاخه ای مهم و علمی اصالی در بین شاخه های

دانش مطرح است. چه اینکه هدف نهایی خلقت برای انسان آنگاه کشف می‌شود که بر اثر سلوک عرفانی، سالک بتواند حقیقت هستی را، که همان عالم لاهوت است، یافته و وحدت ملک و لاهوت را نظاره کند. عارفان مسلمان بر این باورند که به مدد مساعدت و یاری وحی، گونه‌ای معرفت نسبت به هستی می‌یابند که ایشان را در زمینه‌های گوناگون یاری کرده و از جمله، در تأسیس مبانی زیبایی‌شناسی و هنر و نیز ابداع رویکرد متفاوت از آنچه در محافل هنر از گذشته تاکنون رایج بوده، توانمند می‌سازد.

این تحقیق می‌کوشد تا مبانی و اصول علمی زیبایی‌شناسی در آثار عارفان مسلمان را که ریشه در کتاب و سنت دارد، استخراج و بررسی کند. مبانی مطرح در این نوشتار، به طور عمده در چهار گروه مبانی معناشناختی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی سازماندهی شده و تلاش بر این است تا هر مبنا در قالب فصلی جداگانه و با ساختاری منطقی، بررسی شود. همچنین تبیین رابطه عرفان و زیبایی و یافتن منابع قرآنی مبانی زیباشناسی که عرفان راستین از آن بهره‌مند شده است از مسائل اساسی این تحقیق است. چنان‌که از عنوان انتظار می‌رود، تلاش این نوشتار معطوف به افق‌گشایی از چهره مبانی زیبایی‌شناسی عرفانی به یاری وحی به عنوان برترین ادراک یقینی و معرفت‌بخش، در آثار عارفان است.

دکتر علی کریمیان صیقلانی

اسفند ۱۳۹۱